

فرمالیسم در گرافیک امروز ایران

● فرزاد ادیبی

همه‌ی ما کم و بیش آن داستان قدیمی را به یاد می‌آوریم که بزرگی به فرزندش اندرز می‌دهد که: هر جا رفتی بر صدر نشین و سخنان بزرگ بگو. و از قضا فرزند به مجلسی می‌رود و بر طاقچه می‌نشیند و بلند فریاد می‌زند: پیل، اشتر، کرگدن... حال حکایت عده‌ای از طراحان گرافیک ما - که در این جا به آن‌ها فرمالیست می‌گوییم - همان حکایت امیرزاده است. طاقچه را صدر می‌بیند و سخنان بزرگ را پیل... . بلایای زیادی دامنگیر گرافیک امروز ما هستند مثل ارتجال^۱ و شیوه‌گرایی^۲. اما آن چه موضوع بحث این نوشتار است «فرمالیسم یا صورتگری یا صورتگرایی در گرافیک امروز ایران» است. فرمالیسم در هنرهای دیگر، به‌ویژه ادبیات و نقاشی معنی خاص خود را دارد اما در گرافیک که ذاتاً هنری کاربردی است معنی دیگری می‌یابد.^۳

همه‌ی ما می‌دانیم که هنر گرافیک اصلاً در خدمت پیام است و پیام می‌تواند فرهنگی، تجاری و یا حتی سیاسی باشد و وظیفه‌ی گرافیک ترجمه‌ی تصویری متعهدانه‌ای از موضوع است که البته مقدم بر آن فرهنگ‌سازی و ارتقای فرهنگ بصری مخاطب و تأثیر هنرمندانه بر اوست.

اگر هنر گرافیک را مثل همه‌ی هنرهای دیگر متشکل از دو بخش «محتوا» و «قالب» بدانیم، فرمالیسم در گرافیک را می‌توان تقدم و تفوق قالب بر محتوا دانست و این با تعریفی که از هنر گرافیک سراغ داریم تناقض دارد.

به بیانی دیگر گرافیک حاشیه‌ای است برای زیبا و سالم ارایه کردن متن و اگر جای متن و حاشیه عوض شود دیگر نه متن کارایی متن را دارد و نه حاشیه کارایی حاشیه را.

«دوران فرمالیسم در کار هر آغازگر دوران شیفتگی به فرم و فن است نه شیفتگی به محتوی. دوران سیاه‌مشق است و گاه هنرمندان ما تا به آخر معتاد و اسیر آن می‌شوند و از گفتن و اندیشیدن بازمی‌مانند».^۴

چگونگی بروز: فرمالیسم در صفحه‌آرایی به گونه‌ای است که تیترها بی‌دلیل وارونه شده و چرخش‌های بی‌مورد دارند و اغلب مثله شده و گاهی محو می‌شوند و یا از دالان فیلترهای جورواجور گذشته‌اند و همه‌ی این موارد موجب ناخوانا شدن تیتتر می‌شوند و به اصل هدف صفحه‌آرایی لطمه می‌زنند. البته این هجمه اگر فقط به دفراسیون تیتتر بیانجامد قابل تحمل است اما فاجعه زمانی است که این بلایا بر سر متن نیز آوار شود. برای خواندن این متن علاوه بر صرف وقت، دقت و نیروی مضاعف، خواننده گرفتار عصبیتی می‌شود شبیه آن چه در ترافیک روزمره



فرمالیسم در صفحه‌آرایی به گونه‌ای است که تیترها بی‌دلیل وارونه شده و چرخش‌های بی‌مورد دارند و اغلب مثله شده و گاهی محو می‌شوند و یا از دالان فیلترهای جورواجور گذشته‌اند و همه‌ی این موارد موجب ناخوانا شدن تیتتر می‌شوند و به اصل هدف صفحه‌آرایی لطمه می‌زنند.

دچارش می‌شویم؛ همراه با آلودگی‌هایی مثل بوق‌زدن‌های بسیار و تنگی وقت و حوصله و اضطراب. تجمع نقش‌مایه‌ها با ترمایه‌های مختلف، بریدگی‌های بی‌مورد، نکاتیو، پزئیوهای پیایی و بی‌علت و رنگ‌هایی که برای سطوح وسیع صفحه مناسب نیستند، همه از تجلیات فرمالیسم در صفحه‌آرایی امروزند.

انواع محصولات گرافیکی آلوده به فرمالیسم: عمدتاً با پدیدهی فرمالیسم گرافیک در مطبوعات مواجهیم. البته طراحی جلد کتاب‌ها و مجلات در مرحله بعد و پس از آن برخی از پوسترها به فرمالیسم آلوده‌اند. اما بسامد آثار فرهنگی آلوده به فرمالیسم بسیار بیش از آثار تجاری است.

علت فرمالیسم در آثار گرافیک امروز ایران: در کنکاش چرایی فرمالیسم اولین پاسخی که به ذهن متبادر می‌شود شیفتگی به قالب است. شیفتگی به فرم، رنگ، بافت، ترکیب‌بندی و... و کلاً شیفتگی به قالب تا حدی که چشم طراح بر روی موضوع و محتوا بسته می‌شود.

علت دیگر فرمالیسم در گرافیک ناآگاهی و کم‌سوادی طراح و نداشتن اشراف کلی و کامل بر نوع کار و تقلیدی بی‌اساس از کارهای همکاران در آن سوی آب‌ها است. همچنین، فرمالیسم یکی از تبعات پست‌مدرنیسم است.

علت بعدی فرمالیسم در گرافیک، تعجیل در رسیدن به امضاء و سبک شخصی است برخی از طراحان، از فرمالیسم به عنوان کاتالیزوری برای زود رسیدن به سبک شخصی خود بهره می‌جویند. کار این گروه بی‌شبهت به کار «طرزی افشار» نیست کسی که صاحب سبک‌ترین شاعر در طول تاریخ ادبیات ایران است و در عین حال با تاریخ مصرف کوتاه امروزه کمتر کسی شعر و یا نام او را به خاطر می‌آورد.^۶

یکی دیگر از علت‌های فرمالیسم در گرافیک امروز ایران، نیندیشیدن برخی از طراحان به موضوع و ایده است به خاطر تبلی، خستگی و نداشتن فرصت مطالعه و تحقیق به واسطه‌ی تکرار کارها و اوضاع نابسامان اقتصادی و...

اما نقطه‌ی مقابل «فرمالیسم در گرافیک» توجه صرف به محتواست که اوج ابتذال آن شعارگرایی و عوام‌زدگی است که نمونه‌هایش را در اغلب محصولات گرافیک فرهنگی و سیاسی سالهای آغازین پس از انقلاب می‌بینیم. توجه بیش از حد به محتوا و مضمون سبب دور شدن طراح از خلاقیت‌های بصری و جوش‌های شخصی می‌شود. گاه در کار طراحی که سنی در ترجمه‌ی لفظ به لفظ آثار دارند و در کارشان کفهی محتوا و مضمون، سنگین‌تر از کفهی فرم و قالب است، ناپختگی و ابتذال خودنمایی می‌کند. اصولاً اعتدال در محور «مضمون و محتوا قالب» راه را بر انحراف و ابتذال و افراط می‌بندد؛ چه افتادن در آنسوی بام

صواب یعنی «شعارگرایی» به مراتب دهشتناک‌تر از «فرم‌گرایی» است. در آثار گرافیکی اگر معیار و ملاک داوری، وجود ارتباط منطقی و موجه بین: الف) پیام، محتوا و موضوع ب) مخاطب پ) قالب و ت) محصولات گرافیکی یا (بسترهای بروز و نمایش) باشد، درصد خطای داوران، منتقدان و طراحان به حداقل خواهد رسید و داوری سنجیده‌تر خواهد بود. ای بسا اثری به خاطر نوع پیام، مخاطب و قالب، همه‌ی مظاهری را که برای فرمالیسم در گرافیک برشمردیم وجود داشته باشد اما آن کار، اثری فرمالیستی نباشد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- ارتجال در لغت یعنی «بی‌اندیشه و بی‌تأمل شعر و سخن گفتن» و در اینجا مراد آثاری گرافیکی است که بی‌اندیشه و ایده از تلفیق و ترکیب چند تصویر ساخته می‌شود.

۲- شیوه‌گرایی Mannerism نام مکتبی هنری در قرن شانزدهم میلادی در ایتالیاست که هنرمندان آن به تقلید از استادان بزرگ دوره‌ی رنسانس آثاری خلق کردند که فقط به ظاهر پرداخته‌اند و شیفته حرکات بدن و چرخش‌های اغراق‌آمیز موضوع شده‌اند و از ضابطه و محتوای اصلی غافل مانده‌اند اما در این‌جا به گروهی از طراحان معاصر جوان اطلاق می‌شود که شیفته‌ی آثار طراحان پیش‌کسوت گرافیک معاصر شده و بدون درک درست و عمیق آثار استادان کرده‌اند. برای آشنایی بیشتر با این بحث رجوع شود به: «شیوه‌گرایی» در گرافیک امروز ایران؛ فرزاد ادیبی، روزنامه ایران، سال چهارم، شماره ۱۰۰۶، ص ۱۱.

۳- صورتگرایی Formalism [فرمالیسم] عمل یا آموزه‌ای که بر فرم یا ساختار صوری تأکید کند. این اصطلاح از دهه‌ی ۱۹۲۰، پژوهش‌های گروهی از نویسندگان روس، از جمله ویکتور شکلوفسکی، درباره‌ی ویژگی‌های سبک‌شناختی و ساختار صوری آثار ادبی یاب شد. اینان «فرمالیست» نامیده می‌شدند، زیرا صرفاً به بررسی فرم (صورت) می‌پرداختند.

فرمالیست‌های روس، ادبیات - و به‌ویژه شعر - را دارای زبانی خاص و مغایر با زبان متداول می‌دانستند و نقد ادبی را نیز به همین چارچوب زبان ادبی محدود می‌کردند. به اعتقاد آنان هرگونه کوششی برای تحلیل محتوای اثر ادبی، ناگزیر منتقد را به حوزه‌های غیرادبی، مثلاً روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی، خواهد کشاند.

در هنرهای بصری برخلاف ادبیات، این اصطلاح کاربردی مبتنی بر اصول معین ندارد؛ و چنین است که هرگاه حذف موضوع یا هرگونه کژنمایی یا انتزاع در هنر، سهل‌انگاران، «فرمالیسم» تلقی می‌شود. در

این‌باره می‌توان تعریف زیر را پیش‌نهاد: فرمالیسم کاربرد قراردادهایی است که صرفاً جلوه‌ی صوری یک اثر را باز می‌کنند (حال آن که این قراردادها در اصل به منظور آرایه‌ی محتوای معینی پدید آمده‌اند). این نوع تأکید خاص بر فرم - بدون توجه به چگونگی محتوا - راه هم در آثار انتزاعی می‌توان یافت و هم در آثار طبیعت‌گرایانه. دایرة‌المعارف هنر. «رویین پاکباز، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۴- نوشته‌های مرتضی ممیز با عنوان «نشانی» در کتاب: سهراب سپهری، شاعر، نقاش، به کوشش لیلی گلستان. چاپ سوم، ۱۳۶۱، انتشارات امیرکبیر.

۵- اگر هر محصول گرافیکی را ترجمه‌ای از محتوای موردتبلیغ یا پیام بینگاریم با دو نوع ترجمه مواجهیم: ترجمه‌ی اول ترجمه‌ی لفظ به لفظ است بدون دخل و تصرف. همانند ترجمه‌ی متون علمی. اگر قرار است محصولی تبلیغ شود نه تنها عکس و طرح آن محصول باید خیلی صریح و دقیق دیده شود، بلکه باید همه‌ی نوشته‌ها هم براحتی خوانده شود. البته در اینجا هم می‌توان به گوشه‌ای از اثر چاشنی زد و به آن مزه و ایده‌ای گرافیکی افزود.

ترجمه‌ی دوم، ترجمه‌ای کلی و برداشتی آزاد از موضوع است. مثل ترجمه‌ی شعر که مترجم برای زیبایی اثر، دخل و تصرف بیشتری در کار اعمال می‌کند، اما هرگز یک مترجم موفق شعر، هایکو را به مثنوی ترجمه نمی‌کند و از یک شعر حماسی ترجمه‌ای تغزلی آرایه نمی‌کند، اگرچه او آزاد است، شعر را به شعر ترجمه کند.

اما شاید علت بسامد بالای فرمالیسم در آثار فرهنگی، آزادی عملی است که در کارهای فرهنگی هست. چون طراح، خود را در ترجمه‌ای آزاد از موضوع مجاز می‌داند!...

۶- در قرن یازدهم شاعری داشتیم که «صاحب سبک‌ترین شاعر تاریخ ادبیات ایران» است و شاید هم «صاحب سبک‌ترین شاعر جهان» باشد. کسی که سعدی و حافظ و خیام و فردوسی یک هزارم او. دارای سبک خاص نیستند و آن شاعر شخص شخصیتی است به نام «طرزی افشار» که از بس «صاحب سبک» بوده است، تخلص خود را از همین جنبه‌ی «سبک‌مداری» خود انتخاب کرده است... او تمام امتیاز سبکی خود را در این قرار داده است که بسامد «مصادر جعلی» را در شعرش بالا برده است: تمجیدین (تعجب کردن)، مولیدین (ملول شدن)، قبولیدین (قبول کردن) و... یک مصراع طرزی افشار را اگر در میان شعر هزار شاعر قرار دهید، از سر صد فرسنگ فریاد می‌زند که «من شعر طرزی افشارم» سبک شخصی از این بالاتر؟ اما آیا او شاعر هم بوده است؟ این را دیگر جامعه تعیین می‌کند... موسیقی شعر، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات آگاه، چاپ سوم، تابستان ۱۳۷۰.